The Pathology of the Social Ethics of the Islamic Society and Its Solutions, Based on Surah Al-Baqarah

Sayyid Kazem Sayyid Baqeri\textsuperscript{1} \hspace{1cm} Batoul Molla Shafi’ei\textsuperscript{2}

Received: 25/09/2020 \hspace{1cm} Accepted: 14/02/2021

Abstract
The main question of this paper is what are the harms of social ethics related to Surah Al-Baqarah and what solutions have been proposed to get out of them. The hypothesis emphasizes that by referring to the verses of Surah Al-Baqarah, it can be seen that the main moral harm in the Islamic society of Medina in the process of formation is breaking the covenant, which has caused various other moral damages such as prejudice, stubbornness, corruption, disobedience to the leader, immorality, and disharmony. Therefore, Allah Almighty in the process of revelation of verses, step by step and gradually sought to identify those harms and has stated strategies such as remembering divine blessings, patience, saying prayer, charity and spreading piety in Islamic society to find their solutions. In this process, it has been tried to introduce the grounds for the formation of harms, their identification, and their solutions, and finally provide the initial steps of the Islamic society to move towards an ideal society. The findings suggest that breaking the covenant can lead to various moral harms in the personal, political, and social arena, including disharmony and violation of the order of the leader of the Islamic society. This research has been carried out through a descriptive-analytical method.

Keywords
Pathology, social ethics, Islamic society, breaking the covenant.

\textsuperscript{1} Associate Professor, Department of Politics, Institute of Islamic Culture and Thought. sbaqeri86@yahoo.com
\textsuperscript{2} PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University of Kashan, Iran (Author in charge) n.shafii82@gmail.com

چکیده

در اصل این مقاله آن است که آسیب‌های اخلاقی اجتماعی ناتوان به سرعت بقره‌چه بوده تا برای بروز آنها چه راه‌هایی پیش‌بینی شده است. در فرضیه‌ای این امر تاکید شده است که با رجوع به آیات سوره بقره می‌توان دریافت که عمدته‌ین آسیب‌های اخلاقی در جامعه اسلامی مذکر و در فرانک شکل گیری آن، عهد شکنی بوده که آسیب‌های اخلاقی متفاوت دیگری مانند تصمیم، لجستی، فسادورزی، عدم اطاعت از رهبر، فش و تفکر را در پی آوردست. لذا خانه‌ی معنی‌ی روند نزول آیات، گام‌گذاری و بتدریج در پی شناسایی آن آسیب‌ها از شرکته و راه‌های پیش‌بینی مانند تذکر و پادآوری نعمت‌های الله، برگزاری، برای‌های نمایان، انفجار و گسترش تواند در جامعه اسلامی را برای بروز آنها بیان گردش است. در این روند تلاش شده است که تا زمینه‌های شکل گیری آسیب‌ها شناسایی آنها، و راه‌های بروز آنها معرفی شود و در پیش‌بینی گام‌های آتی‌زمان حکمران اسلامی به سمت جامعه مطلوب فراهم گردد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که عهد شکنی می‌تواند به آسیب‌های اخلاقی متفاوتی در صورت فردی، سیاسی و اجتماعی، از جمله تفکر و تخلیه از دستور رهبر جامعه اسلامی منجر شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سامان باطری است.

کلیدواژه‌ها
آسیب‌شناسی، اخلاق اجتماعی، جامعه اسلامی، پیمان‌شناسی.

1. دانشیار گروه سیاست، پژوهشکده نظام های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
sbaqi86@yahoo.com
2. دکتری علوم فرانسه و حیرت، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان، ایران (نوبتدهی منصوب).
n.shafii82@gmail.com
3. سیدکاظم ملاشلی، سیدکاظم ملاشلی، مجله (1399)، آسیب‌شناسی اخلاق اجتماعی جامعه اسلامی و راه‌های بروز آن، برای اساس سوده بقره، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ص (1398)، صص 121-138.
Doi: 10.22081/jiss.2021.58933.1704
درآمد
یکی از راههای سعادت انسان، نهادی‌های کردن اخلاقی نیک در اجتماع است. دستورهای قرآن کریم و سنت نبوی، به‌ویژه پس از تشکیل دولت در مقدمه، در پی طرایح و مهندسی جامعه‌ای است که در آن اخلاق نقش بازی کند. اما واقعیت‌های تاریخی صدر اسلام بیان می‌کند که جامعه مدنی با آسیب‌هایی اخلاقی مواجه بوده است، لذا در قرآن کریم تلاش می‌شود تا در فرانندی گامی‌ای را، روش‌های گذار جامعه به وضعیت مطلوب را طراحی کند؛ جامعه‌ای که بر پایه عدل، احسان، عفته، فروتنی، صدق، امانت، وفاداری، مروت، میانه‌روی و تعاون باشد.

بنا بر قول مشهور، سوره بقره، اولین سوره نازل شده در مدينه و آغازین مرحله شکل دهن جامعه دینی است. بر اساس آیات اولیه سوره بقره می‌توان دریافت که در مکه، مردم به سه گروه متقی، کافر و بیماردل تقسیم شده، متقیان در این جامعه با داشتن ویژگی‌های گزارش شده در آیات ابتدایی سوره بقره (ایمان به غیب، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آختر، ایمان به پیامبر و کتب نازل شده پیشین)، پیام اصلی تحول اخلاقی جامعه مدنی‌هستند؛ مسیری که بايد برکت مردم بر پایه مبانی اخلاقی الی شکل بگیرد تا زیرساخت اصلی این جامعه گردد. با توجه به محرومیت و غریزه سوره درمی‌یابیم که این سوره درصد رفع اولیه آسیب‌ها در مرحله جدید از تحول جامعه اسلامی است که با شناسایی و رفع آنها می‌توان به رصد واگذاری به عقیده جامعه برداخت و ملاحظه کرد که چگونه جامعه برای ورود به گام‌های بعد آدامسی می‌گردد.

مقصود سورة بقره را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: تعیین شاخص‌های ایمان در شرایط جدید حضور مسلمانان در مدينه، و برخوردار بی آسیب‌های اخلاقی اجتماعی. خدا متعال در این سوره متقیان را که پایه گذار جامعه دینی صدر اسلام در پیش شندند، با برخی از مهم‌ترین احكام آنها کرده و ضمن آسیب‌شناسی رفتار مدنیان گذشته از جمله ابی‌اوس و اهل کتاب، برای پیاده‌بری در کلیت و هویت واحده دینی و اسلامی راهنمایی کرده و درباره هر گونه نقض پیمان و تفکیک بین احكام و برخوردار گزینشی با آنها هشدار داد (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۱۳۸۲).
این نوشته در پی بررسی آسیب‌های اخلاقی اجتماعی در جامعه اسلامی و راه‌های
برون‌رفت از آن بر اساس سریع بقیه است، تا جالش‌های اخلاقی که به نتایب بی‌طرف و
شکل‌گیری جامعه اسلامی پدید می‌آمد شناسایی گردد و راهکارهای آن ارائه شود.
سؤال اصلی آن است که آسیب‌های اخلاق اجتماعی و عوامل آن چه بوده و این سرده
برای برون‌رفت از آن آسیب‌ها چه راهکارهایی را پیشنهاد داده است. در پاسخ، بر این
فرضیه تأکید شده است که با رجوع به آیات قرآن کریم در سریع بقیه در می‌باشد که
عوامل و زمینه‌های آسیب‌های اخلاقی اجتماعی را باید در مواردی جشن کننده، ببینند و
نفاذ جستجو کرده که به آسیب‌های متفاوت منجر شده که عمده‌ترین پیمان‌کشی
بوده و در پی آن، تعصب، اجتهاد سیاسی، نفاذ و عدم اعتراف از رهبری نیز آمده است و
برای رفع آنها، راهکارهای مانند باد آوری نهایی یافته‌های الهی، صبر و برداشت، اقامة نماید،
انفاق و ترویج به مسلمانان باری می‌دهد تا گام‌های آغازین برای شکل‌گیری جامعه
مطلب اسلامی و حکمت به سوی عدالت و سعادت فراهم آید. نامه‌ای از بر اساس
آموزه‌های قرآن، در جامعه مدنیه، حکم‌های دقیق و سنجیده انجام داده است تا در پرتو
آموزه‌های الهی، جامعه قیبلاء و ارزش‌های آن را دفع گی بنده و آن را از باورهای
نادرست گذر دهد. این امر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

1. بیان مفاهیم

1-1. آسیب‌شناسی اخلاقی

منظور از آسیب یا آفت در مسائل اجتماعی، ظهور عيب و نقص و خروج از وضع
طبیعی و پیداباش تباهی است؛ چنان که آسیب و آفت، به معنای عامل تباه وندایه است که
به طبع اصلیست کنند. "الافد عرب، مقیسه‌ی لبیا" از سنواته، (فرآیند، 1401، ج 1، ص. 90).
آسیب‌شناسی مشاهده عوارض بیماری، تکابو برای یافتن ریشه، تشخیص و درمان
بیماری است. در این فرآیند، به چراپای بیماران مثبت سامانه از عملکرد صحیح خود

1. Pathology
پرداخته می‌شود (سواواتی آذر، 1381، ص ص. 3). در لغت آمده است که فساد، ضد و نقضیه
صلاح است (فرهادی، 1410، ج، ص 132 و مفسده، خلاف مصلحت است (بن منظور،
1364، ج، ص 133). در فساد، آشفتگی در نظم و خروج از اعتدال اشیاء به وجود می‌آید,
حال، اخلال یا در نظم تکوینی است، مانند قتل، ظلم، کفر، جنگ، با اهل حق و
ضایع کردن حقوق دیگران، یا در تشريعات است، مانند افساد و اخلال در احکام الهی و
مقررات اسلامی (رک. مصلحتی، 1375، ج، ص ص. 85).

1- اخلاق اجتماعی

اخلاق، جمع خلق و خلق است، به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن که
به معنای صورت درونی و باطنی و تایید آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک
می‌شود؛ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفتگه می‌شود که با چشم قابل رؤیت
است (بن منظور، 1364، ج، ص 132). رایج ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین فیلسوفان
مسلمان عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی
مناسب با آنها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شود (نصاب
یزدی، 1377، ج، ص ص ص. 133). اخلاق اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از بایدها و نابیدهای
مربط به فضائل و ردیاف دانست که هدایت کننده مشروط، روش‌ها، رفتارها، گفتارها و
کردارهای حاکمان و شهریوندان است.

2. تمهید نظری

آنچه در این نوشته دارای اهمیت است، فهم حکمت جامعه اسلامی می‌دانه از نقطه
نامطلوب به مطلوب و از آسیب‌های اخلاقی به سوی فضیلت است. این روند، طباعاً
باید در چارچوب و قابلی پیگیری شود که بتواند آن را توضح دهد. در نگرشی کلی
می‌توان برای فهم بحران‌ها، آسیب‌ها و راه‌های بروز و یا از آنها در هر جامعه‌ای چهار
مرحله را شناسایی کرد:
الف. زمینه‌های شکل‌گیری آسیب‌ها و مشاهده بحران (رک. اسیری‌گرزی، 1379، ص ص. 39).
۲. زمینه‌های آسیب‌زای اخلاقی اجتماعی در سوره بقره

پس از آنکه پیامبر جامعه اسلام از مکه به مدت حدود ده سال به دنیا رفت، کسانی که به او در مدت این زمان نزدیکی نداشتند، روند حوادث دگرگونی شد و دولت اسلامی با رهبری آن حضرت تکامل شد و امری که مسئولیت جدید را پیش روز جامعه اسلامی قرار داد.
زمان قطب حاکم جامعه را مؤمنان تشکیل می‌دهند و قطب‌های مخالف و غیراسلامی در اندکی هستند. جامعه دینی حاکم به قوانین برای اداره خود و نهاده‌سازی‌های مطالب با شرایط جدید نیاز دارد. جامعه باید در تعامل با دیگر اقلیت‌ها راه‌نما شود؛ جامعه‌ای که در آن آسیب‌های اجتماعی به‌دنبال دارد.

دکتر و خارجی برتر می‌کند (بهترین پور، ۱۳۹۴، ص. ۳۸۸).

۳-۱ کفر

در مقابل متقین، پروردگار از سه گروه دیگر که زیر بار دعوت اسلامی نمی‌روند، سخن می‌گوید که در برابر متقین و مردم مسلمان می‌خواهند حضرت دارند. یکی از بستری‌های انحطاط اخلاصی که زمینه بسیاری از آسیب‌ها شد کفر بود. کافران بر سر لجست خویش اند و خدا آنان را این‌جهت معرفی می‌کند: «آن‌الذین کُفروا سوء علیه‌هم آن‌زِن‌هم مَن نُنْدِرُهم لَا يُؤْمِنُون؛ كَسَانِي كَه كَافِرُ شَدُنْد، يَرَى آنَانِ تَفَوَّتُ نِمَ كَنُد كَه آنَان رَيْ بِرَسَانِي بَا تَرَسَانِي، إِيَمَان نَخَوَاهُند أَوْرُد» (بقره، ۶).

سپس در آیه بعد بیان می‌کند که بر قلب، گوش و جشن‌مآذن آنان، مهر خورده شده است: «۱۲۷ کُفِّرْنَ الْأَرْضَ عَلَى غَلِيظِهِمْ وَعَلَى شَفِيعِهِمْ وَعَلَى أَنْصَارِهِمْ غُصُوْهُمْ; خَذَا بِرَبِّ دِلَّهَا وَكُفْرِهَا شَهْرَ نَهَاهَهَا وَبِرَجْشِهَا شَنَّر بَرَدَاهَا إِسْتَ» (بقره، ۷).

یهودیان بر ناتوانی خود از درک و فهم معافیت اسلامی اعتراض می‌کنند: «۱۲۱۲۸ وَقَالُوا قُلُوبُنَا عُلِّفَتْ؛ يَعْنِي قَلِبَهَا مَا دَارَى حَجَابَ إِسْتَ» (بقره، ۸۸). یهودیان عصر بعثت بر ناتوانی خویش از درک معافیت اسلام متعدر بودند (در. هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج. ۱، صص ۲۲۵-۲۲۷).

با این ویژگی‌ها، خدا اولویت کافران را طاغوت معرفی می‌کند که آنها را از نور به سوی تاریک‌ترها می‌برد: «وَالَذِينَ كَفَّرُوا أَولِيَاأهُمْ الطَّاغَوْنَ يَخْرُجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الْعَظَمَاتِ» (بقره، ۲۵۷). ویزگی این افراد تقصیب، لجست، بهانه‌سازی‌های پی‌پاپنه و نگاه قبیله‌ای و گروهی است، لذا وقتی به آنان گفت می‌شود که ایمان آورید، می‌گویند مان
تنها به توراتی که بر ما نازل شده است، ایمان داریم (بقره، 91). همه این پستیها و
رذالتهای اخلاقی از بستر کفر به وجود میآید و پیامدهای سیاسی-اجتماعی
ناتختجتهای بهدنال میآورد.

۱-۲. بیماردل

جیران دیگر، بیماردلی است که جدا آن را به تفصیل معرفي می‌کند. منافقان و
بیماردلان دو دسته‌اند که به آنها نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ هر منافقی
بیماردل است، اما هر بیماردلی منافق نیست. تفاوت این است که بیماردلان کسانی اند که
از ابتدا حکمت‌های دینی با آن همراه می‌شوند و لیگ‌هایهای درستی ندارند، برای
بهره‌گیری و فرصت طلایی نقش می‌کنند و مواضع دشمن را تکرار می‌کنند. تخصص
این گروه دیگر است اما منافقان به دلیل ترس و گناه طمع، اظهار همراهی با مؤمنان
می‌کردن، و بیشترین نقش را در ایجاد هرج و مرج و شیوه‌افکنی بین مسلمانان دارند
(درک: بهجت‌بور، ۱۳۹۷، ص ۸۱). نشان‌ها و ویژگی‌های بیماردلان، دروغ گویی، فربه‌دانستن
دین و نبوت، و ساده‌اندیش دانستن مؤمنان، انفعال در برای دشمن و ابراز همراهی با آنان
و خوانش نادرست از صلاح و فساد است (بهجت‌بور، ۱۳۹۷، صص ۱۳۴-۱۵۰) و نشان‌های
منافقان، اظهار مزورانه و دروغین ایمان به اسلام، اعلام نارضایتی، نیز بر نظم حكم رهبر
جامعه اسلامی، ترس ازدست دادن جان و مال و موقعیت اجتماعی است (درک: بهجت‌بور،
۱۳۹۷ صص ۱۵۹-۱۵۶).

خدا متعال قلب‌های آنان را در بیماردلی به سنگ‌تشفیه می‌کند:

تمتست قلب‌پکم من بعد ذلک فهی کالهجازه اور أشده فشوه وان من الجازه
لما ينفع من آنهل وان میتها لما يشفع فیخره جمه میها وان منتها لما يهبط من خحشة
الله؛ مسیس دل‌های شما بعد از آن سخت شد، مانند سنگ‌های سخت تیر، زبرای پاره‌ای از
سنگ‌های است که از آنها نه‌رها می‌چوشد، و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و
آب از آن بیرون می‌آید، و پاره‌ای از آنها از ترس خدا سقوط می‌کند (بقره، ۴۷). اما
دل های آنها از سگ‌ها نیز سخت و است، نه چشمه عواطف و علمی از آن می‌جوشد و
نهم قطعات محتی از آن تراوش می‌کند و نه هر گز از خواف خدا می‌تند (مکارم شیرازی,
۱۳۷۷، ص ۶۷۲). ۳-۲.
بیماری، عواطف و چشم‌های فهم و احساس را میراند و فرد گرفتار را از
اختلافات دور می‌سازد. فکر و نگاه این گونه افراد، مسائل را نادرست تحلیل می‌کند.
بر
دل های بیمار مهر می‌خورد و بر چشم‌های شان پرده‌ای از ظلمت فرو می‌افتد (بهره، ۷)، و در
واقع، از حوزه انتفاع و سودرسانی به خود و دیگران جا می‌ماند، بلکه حتی آسیب‌رسان
می‌شود. این دل‌های درسته و دور‌شده از نورهای، به لجاجت و خود‌خواهی و
سودرستی می‌انجامد و گام به گام به‌سوی ارتباط و فرق‌های خلاف اخلال، و در
نهایت، شکستن ییمن الهی می‌کشاند. تا در برای دستورهای رهبر جامعه اسلامی باوستند
و بر طبق میل و سود شخصی خود عمل کنند.

۲-۳. نفاق
ویژگی منافقان آن است که به ظاهر و زبان می‌گویند، ایمان دارند، اما به‌واقع ایمان
ندارند و همیش امر مایه برای از آسیب‌های احیایی در جامعه اسلامی زمان بیامی
و زمان‌های بعد از آن گردید. "ومن یکی از مسیحیان مسلمانان به آنان بپیامی و بیانی،
پیام‌ران، و برخی از مردم می‌گویند می‌باشد و روز بازی‌می‌کنند ایمان آورده‌ایم، وی
مومن نیستند" (بهره، ۸).
مقصود آنان از اظهار ایمان آن است که بر اساس مسلمانان واقف شده و برای کفار
نقل کند و نیز خود را به پیام بزرده نمایند؛ ولی ایمان در واقع ایمان نیاورده بودند:
"ما هم پیام‌ران، و آن‌چه به زبان می‌آورند غیر از آن است که در دل دارند (طبرسی، ۱۳۷۷،
ج، ۱، ص ۷۲). منافقان قصد فریب دادن و گول‌زندن خدا و افراد با ایمان را دارند که قرآن
کریم در مورد آنها می‌فرماید جز خودشان را فریب نمی‌دهد: "یخ‌ها خداوند الله و او/بلدین
آن‌ها و ما یخ‌ها نخوریم کل آن‌ها نخوریم (بهره، ۹)."
فربدی یا یا مسلمانان این گونه بود که وقتی آنان را می‌دیدند می‌گفتند ایمان آوردیم
تا در مجامع آنان شرکت کرد و اسرارشان را بی راه مسلمانان نقل کنند؛ اگرچه ظاهر
عمل خدیجه مسلمانان است، ولی در واقع خود را گُول می‌زنند؛ زیرا وقتی ایمان
واضع دور شدن و بر جاده هوس و خواسته‌های نفس رفتند، طبعاً به عذاب و بدبختی
سقوط خواهند گرد، ولی آنها از عاقبت عمل خدیجه آمیز خود خبر ندارند (هرسن، 1372،
ج ۱، ص ۷۳)

برخی دیگر از منافقتان، تظاهر به اصلاح طلبی می‌کنند، و خود را مصالح می‌دانند،
در حالی که اهل افساد هستند: «و اگر قائل آن‌هم‌اندند، تفسیر یافته‌اند، فی الأرض فئادوا ان‌م‌نَّن
فضله‌ها و جهان ای‌ان‌ان گن‌ه‌ند شود در زمان‌فساد مکین‌د می‌گوبند ما خود
این اصلاح‌گریم» (بقره ۱۱).

به‌هوش باشید که آنان فساد گردند لیکن نمی‌فهمند، ان‌ل‌ی‌ان‌ه‌م مُن‌ف‌سیدون و لیکن لایش‌ون» (بقره ۱۲). فساد و آسیب، هنگامی به وجود می‌آید که در نظم اشیا و اعتنال
آن‌ها آشور شود. فساد، در متعای عام، آسیبی است که جامعه را به انحراف می‌کشد
یا کرایت افراد را زیر بقا می‌گذارد. فساد، جلوی رشد و بالندگی جامعه را می‌گیرد
و مانع هرگونه اصلاح و حرکت روی‌جلو می‌شود. قرآن کریم به این نکته اشاره
دیچی دارد که یکی از ویژگی‌های منافقت فسادورزی است: و اگر تو اویل شمع فی
الام‌لی‌فی رئیسی فی‌ها و جهان ریاست‌یا‌ب‌د (با مَگ‌رد) کووشش می‌کند که در زمان‌فساد
نماید» (بقره ۲۰).

با این ویژگی، منافق همچنان باور به رسالت پیامبر ندارد و تنها به وفاداری ایمان
اللهی تظاهر می‌کند. ام در واقع پیامبر را قبول نکرده است و دورنگی شده تنهای
عرشه عمل و شرایط ویزه آتش‌کش می‌شد؛ از جمله به هنگام عمل به مفتاد قراردادها
کوپاری می‌کند و شانه از زیر بار مستولیت خالی می‌کند. این تجاری است که آنان
در آن هیچ سودی نمی‌برند، بلکه از راه راست گمره‌ها می‌شوند و هدایات نمی‌یابند.

(زرک: بقره ۱۴)
<table>
<thead>
<tr>
<th>نماية و عنوان</th>
<th>متن آيه</th>
<th>زمينهای آسیب</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>عدم سودبخشی اندار به کفار</td>
<td>بقهره، 6</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>قلوب، گوش و جسم، مهرشده و تاریک</td>
<td>بقهره، 7</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>و پذیرش وایت طاغوت خروج از نور به تاریکی</td>
<td>بقهره، 7</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>افراش بیماردی</td>
<td>قلوب قلب</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>قلوب قفل شده</td>
<td>وقلاوا قلوبنا علف (بقهره، 88)</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>قلوب محجوب</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>گفه از مزورته بی امانی به خدا و رستاخز</td>
<td>بقهره، 8</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>ممن الناس من يرُكُنُم باليالله وياليوم الآخر وما هم بمؤمنين</td>
<td>بقهره، 9</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>سفید خوششين</td>
<td>بقهره، 11</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>یخداعون اللّه والذين آمنوا وما يخذعون إلا أنفسهم (بقهره، 9)</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>وإذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض قلوا إنما نحن مصليون</td>
<td>بقهره، 12</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>فسادوری با ادعاي اصلاح طلبی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آلا إنهُم هم المفسدون ولكن لا يسعون (بقهره، 12)</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>ثلاث برای خساد در زمين بای تخرب کشت و نسل</td>
<td>استعمال، 205</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
6. اسیب‌شناسی: عهده‌سنجی، عمده‌ترین اسیب خلاقیتی اجتماعی در سوره بقره

عهده‌سنجی یکی از عمده‌ترین آسیب‌های خلاقیتی اجتماعی است که در سوره بقره از آن سخن به میان آمده است و بیشتر بحث از عهده‌سنجی به‌ویژه به‌ویژه در مورد میهن‌ها و احکام الهی است. قرآن طرح این آسیب‌های خلاقیتی در اولین سورة مدنی، برای آن است تا مسلمانان میهن‌های دهد که شکست پیمانی چه یادماندهای ناحیه‌ای برای بینی‌ای اسراییل، ابی‌هاد و آدم و جن در بی‌داسته است، نمایندگی که جامعه اسلامی بیش از هر زمان به پیروی از رهبر الهی نیاز دارد، پیمان شکنند.

قرآن کریم در آیات مختلف برابر برابر به عهده و پیمان، سفارش و نقض آن را نکوهش می‌کند. در سوره بقره خدا فاسقان را مثل شکستگان معرفی می‌کند: “الّذین يَفْقَهُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بُعْدِ مِيثَاقِهِ... وَيُفْتَدُونَ فِي الْأَرْضِ؛” فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکند و در روز زیمن فساد می‌کنند.

پیامبر 安宁 نیز با ورود به میهن، تأکید ویزهای و فورآرگی به عهده دارند، تا جایی که در پایان نخستین خاطبه در میهنی می‌فرمایند: “خدا از شکستگان عهد با او خشمگین می‌شود (این هم ادامه، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۲۸-۳۴۳). ایجاد نزدیک و وفاداری به آن جامعه و تشکیل دولتی که حقوق همه مددکننده به پیمان می‌شود. می‌گوییم را با مسلمانان، به‌ویژه در مسیحیان به اساس رسانید (رنک: حیدرالله، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳).

لذا حفظ نظام میهنی و قدرت دولت پیامبر 安宁 بر اساس وفاداری به میثاق‌ها آغاز شد و پیامبر 安宁 به آن‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار بود. با توجه به این امر، در آیات متعدد در این سوره، خداوند به پیامدهای ناگوار نقض عهد هشدار می‌دهد. در روابط نیز وفاداری یکی از دستورهای همه آدمان معرفی شده است. شخصی از امام سجاد 安宁 برشید که مرا از همه آموزه‌های دینی آگاه کنی; امام فرود: «قول الحق والحكم بالعدل والوفاء بالعهد» (شیخ ضدق، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳، ح ۹۰).

نکته مهم در این میان آن است که عهده‌سنجی، آسیب‌های خلاقیتی بود که چندالیه و دارای ابعاد مختلف بود و به دنبال خود آسیب‌های خلاقیتی متعددی را مانند فسق (بقره ۲۶)، افساد در زمین (بقره ۲۷، ۲۰، ۲۵، ۲۰) و خودفراموشی (بقره ۴۴) شرک و گوسله پرستی
نمودار: آسیب‌های اخلاقی برآمد از عهده‌نشین

خدای متعال در سوره بقره، همه مردم را با خاطب "با آیها النّاس" به بندگی الهی دعوت می‌کند و سپس اشاره به عهده‌نشین‌ها می‌کند که حق عبودیت را به یا ناوارندند یا عهده خویش را با خدا فراموش کردن‌د؛ از جمله:

الف. ابریز، فرد عهده‌نشین

آیات 29-32 بقره بیان می‌کند؛ اینهای عهده‌نشین‌ها می‌کند که او اولین پیمان‌شکن بود:

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ إِنَّ آدَمَ فَسَجَدَهَا إِلَّا إِبْلِيسُ أَبَى وَاشْتَكَرَّ؛ وَهُنَّ اثْنَىُ كَيْبٌ كَيْبٌ فَرِضَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِهِ اِلْهَمُّ. ۚ ذَٰلِكَ لِلَّذِينَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ ۚ ۚ تَكُونَ لَهُمَّ سَرِيعَانَ ۚ وَهُنَّ كَلاً تَكُونُ فِي النَّارِ. (بقره، 32)
ب. آدم و حوا، فراموشی عهد

یکی از دیگر کسانی که می‌تونان از رفتار آنان به فراموشی عهد الهی باید کرد، خانواده آدم و حوا است که در بهشت دارای جایگاهی بلهند بودند و دستور داشتند که از درخت ممنوع نخورند (بحر، ٣٣). قرآن کریم، در سورة طه نیز میانگین میان حدا و آدم را بیادور می‌شود و اینکه آدم آن را فراموش کرد: «لقد عهدها گرفتند آدم مثابه قلیل فنیبی؛ و به‌یقین پیش از این با آدم بیمان بسیم، پس فراموش کرد» (طه، ١١٥). اما آنان با فراموشی عهد الهی، از بهشت رانده شدند و این امر با گمراهاسازی شیطان انجام شد: «فلذ آنها آنها آنها آنها فانیا از آنها فانیا از آنها»، پس شیطان تا راه آن لغزند و از آنجه در آن بودند ایشان را به در آورد (فرح، ٣٦).

از نظر مراغی، این آیه دلالت می‌کند بر اینکه شیطان آدم و حوا را بر لغزش وسوسه کرد (مراغی، ٢٠٠٥، ص ٩١)، و به خوردن از درخت تشوق کرد؛ از جمله در آیه ١٦٠ سوره طه «فعل أول دلت غلبه الخلق، و فعل لا بلغي»، این لغزش موجب شد تا آنان عهد الهی را فراموش کنند و از بهشت جاودان محروم شوند.

ج. بني اسرائيل، جامعه عهدشنک

یکی از مصداقي که عهدشنکی درباره آنها صدق می‌کند، جامعه بنی اسرائيل است که عمدترين و درس آموزترين بحث این سوره است که خداوند به تفصیل میانقیهای الهی و عهدشنکی آنان را بیان می‌کند؛ قومی لجوج و بهانهتراس که برای عدم پذیرش حق به هر چیزی چنگ می‌زدند.

دروزه در تفسیر الحديث می‌نویسد که سورة بقره، سه گروه از مدرم در مواجته با...
دعوت اسلامی را پیام اسرائیلی که مؤمنان، کفدار مسئول و منافقان یودند. بنی اسرائیل و یهود، از خیب تعداد، گروهی بزرگی، دارای قدمت و صاحب نفوذ یودند، پس حکمت اقتضا می کرد که کلام خداوند به آنان پردازد (رک: دروزه، ۱۵۱، ج، ص۶، ص۱۶۲) و در آیات ضمن بیان مطالب مختلف، بر وفاداری به پیامان الهی تأکید می شود. تجربه بنی اسرائیل به تفصیل بیان می شود تا مسلمانان مدینه از زندگی آنان درس آموزند و از آسیب هایی که آنان گرفتار شدند در آن می آیند.

نقض عهد بنی اسرائیل با پیامبران حضارت موسی در آیات زیادی از این سوره بیان شده است: از جمله در آیه ۵۱، خداوند می فرماید که در غیبت آن حضارت، یهودبان پیمان قبلی را از یاد بردن و به پرسش گوساله پرداختند: «با ذِکرین لیلة یکم اَنْخَذَتْ الْعِمْلَ» (۹۵۲) و آنگاه که ها به موسی چهل شب فرار گذاشتند، آنگاه در غیاب چه شما گوساله را [به پرسش] گرفتید» (بحر، ۵۱).

آیات دیگری نیز مانند آیات ۵۲ و ۸۳ به این امر اشاره می کنند. همچنین در آیات ۳۳ و ۳۴ مبنا به بنی اسرائیل بیان می شود که جز خداوند را تیرستند، به بهتر و مادر خویشان، پیامان و مساکن نیکی ورزندند، به مردم گفتار نیک گویند، اقامه نماز کند و زکایت پردازند. اما جز عده کمی همه سربیجه کردن: «آخر تولیتی اُنَّ فَقِیِّلًا وَ أنَّشَمَ مُغْنِصِّوْنَ» (بحر، ۳۲) و در آیه ۷۴ به پیمان شکنی آنان در خون رزی و بیرون بکردن یکدیگر از خانه‌ها اشاره می کند و اینکه «ان‌هم هُؤُلًا تَقَلَّبَتْ أَنْفُسُكُمْ وَ تَجَزَّوْنَ فَرْقًا مِّنْ ذَٰلِكَ» (بحر، ۷۴)، اینها هم به ضد پیامان بود که با خدا رسته یودند. در آیه ۷۶، نقط عهد توسیع آنان چنان یاد می شود: «آیت تولیتی از بعد ذلک» (بحر، ۷۶)، سپس شما بعد از آن [پیمان] روبرگان شدید.

همچنین خدا به پیمان بنی اسرائیل اشاره می کند: «آن‌گرما عافه دان او عهد دان فرقی می‌دهم» (بحر، ۱۰۰) و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیامان بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکنندند؟ در آیه ۱۹۹ سوره به تصریح نیز خداوند اشاره می کند که بنی اسرائیل در جریان نوشیدن آب از رودخانه، عهد خود با طالوت را شکستند.

پس در آیات متعدد، خداوند خطر عهدنشکنی را در قالب جریان بنی اسرائیل برای...
مسلمانان مدينه يادآور هي شود كاه اهيمت و اثر انوار راهبردي برخورد بوده و

عهد و عدم ترضي آن هي دانه و اگر مؤمنان واقعا مدعى حقق و هيقت هي متاقين هستند

كه در آيات ابتدائيه سورة بقره بيان هي شود بايد به عهد ايماني خويش وفا كنند و در

همه زندگي از جمله در نظام اقتصادي، خانوادي، قضائي و سياسي، بنديگي و عبويت

او را پذيردند و از سرنوست شيطان، آدم و بني اسرائيل درس بگيرند و اسوه و الگو

آنان، حضرت ابراهيم بابا كه به مناقش خويش با خدا استوار بود و از همه

آزمايشها سريلند بيرون آمد (بقره، 124).

<table>
<thead>
<tr>
<th>نامه و عنوان</th>
<th>متن آيه</th>
<th>آسب: عهدشنک</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>استکبار و عدم بروی از خدا</td>
<td>وّأَذْ قَلَتُ لِمَلائِكَةَ اسْجِدُوا لَآَمَمِ فَسَسَحُوا إِلَّا إِلَى أَبِي وَاسْتَكْبَرَ (بقره، 34)</td>
<td>عهدشنکي ابليس</td>
</tr>
<tr>
<td>فراموشی يبان الهي</td>
<td>فَأَرْلَحْمَا السَّيْطَانُ عَنْهَا فَأخْرِجْهَا مِمَا كَانَ فِيهٌ (بقره، 36).</td>
<td>بهيه</td>
</tr>
<tr>
<td>برستش غيرخدا</td>
<td>وّأَذْ وَاذَنَا مُوَسَى أَرْبَعِينَ لِبَيْتاً ثُمَّ أَذْخَذَهُمُ الْجَلْسَةَ مِنْ بُعْتِهِ وَأَذْنَّتِهِمُ الطَّالِمُونَ (بقره، 51).</td>
<td>عهدشنکي جامعه</td>
</tr>
<tr>
<td>شستكرون به يبان</td>
<td>ثُمَّ تُنْتَظِمُونَ مِنْ بُعْدِ ذَلِكَ (بقره، 64).</td>
<td>بني اسرائيل</td>
</tr>
<tr>
<td>يبان شریب از بني اسرائيل</td>
<td>وَأَذْ أَخْذَا مِيَاقًا بَيْنَ بَيْنِيهِمْ يَمْثَلُونَ (بقره، 36).</td>
<td>عهدشنکي الهي</td>
</tr>
<tr>
<td>شستكرون به يبان</td>
<td>أُولَى مَعْلُومَةً عَهْدًا نَبِيُّ فَرَقَ مِنْهُمْ (بقره، 100).</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مخالفت با کتاب الهي</td>
<td>نَبِيُّ فَرَقَ مِنْهُمْ أُولُوا الْكُتُبَ كُتِابَ الْلَّهِ (بقره، 101).</td>
<td>وراء ُظهورهم (بقره، 101).</td>
</tr>
</tbody>
</table>
راهکارهای مقابله با عهدشکنی در سوپر بقره

یکی از اصول مهم ترتیب قرآن کریم آن است که در کنار بیان آسپی سرش، راهکارهای مقابله با آنها را نیز بیان کرده است. چنین نیست که راهکارهای مقابله با آسپی سره برای درمان پرستاری برای درمان آسپی است و نشانه درمان نیز باید در زمان آسپی شناسای بیان شود؛ لذا در سوپر بقره، برای درمان آسپی اخلاقی عهدشکنی، راهکارهایی جوان پادآوری نعمت‌های الهی (نفره: ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳)، شکیپاها (نفره، ۱۳۴۴، اقامه نماز (نفره، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶) و اتفاق (نفره، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸)، طرح شده است که در ادامه به برخی از زوايا آنها اشاره می‌شود.

۱-۵. تذكر و یادآوری نعمت‌های الهی

یکی از راهکارهای مقابله با نقص عهد، پادآوری نعمت‌های الهی است؛ تذكر بعضی
طلب کردند که از دست رفته است: «الذکر طلب ما قد فات» (راوی‌نی، ۱۳۴۰، ج ۵, ص ۳۲۷) خداوند در سوپر بقره به یاد قوم بیت اسرائیل می‌آورد؛ میثاق ها نه که از اشیان
گرفت و آنها نقش کردند و گناهانی را که مرکب شدند، به یادشان می‌اندازد که
به‌خاطر آن مخالفت‌ها چگونه دل‌هایشان دچار قساوت شد (درک: طباطبایی، ۱۳۴۳, ج ۱, ص
۲۷) لذا خداوند خطاب به بیت اسرائیل پادآوری نعمت‌ها و وفاده به عهد را در کنار هم
ذکر می‌کند:

با بیت اسرائیل اذکروا عفافت‌تان چیزی که از دست رفته است و خواهید این که که
قارزنشینی یکی نعمت‌های الهی می‌باشد و به شما عطا کرد و را به سیمانت
وفادار کنید تا از همه به یافتن شما و فاقد کنید، و فقط از مبتدی، (نفره، ۱۳۴۰).

شهب این مضمون در آیات ۱۴۰ و ۱۴۲ سوپر بقره نیز آمده است. درباره اینکه آنان
با یاد باد و وفاداری و عهد خدا و وفاداری و عهد به یادآوری
نعمت‌ها است. انسان با یادآوری نعمت‌های الهی می‌تواند به عهد الهی و وفادار باشد (طریقی،
۱۳۴۲، ج ۱، ص ۱۴۴۹); آنچنان که بیانی الهی آمده‌اند تا نعمت الهی را به انسان‌ها یادآور
شوند، علیه فرمود که خدا رسولان الهی را در میان مردم برانگیخت تا نعمت
فراوششده الهی را به آنان بیاداور شوند: فبعت فیهم ریشه و واثر الیهم انبیاء

یذَ گَر هوُم فنَابِی یُمْغَتَهُ اِنّهَ البَلَاعَ، خُطِبَ (1).

برخی از این نعمت‌ها عبارت بودند از کنار یپامران در میان آنان، نازل شدن نورات
و زبور بر آنها، آزادی از قید فرعون، راهی از غرقشدن، فروآمدن من و سلوئی بر
آنان، بخشیدن قدرت و سلطنت در دوران سلیمان به آنان و دیگر نعمت‌هایی که همه
موجب ایمان و انسانیت می‌شود، به باعث انگار و کفر (منبع، 1387 خ.)

در واقع خداوند به بنی اسرائیل بیان می‌کند که با بیاداوری نعمت‌ها، قدر آنها را
بدانند و از نقص عده که همان کفران نعمت است دوئی کند. به‌تعمیر علیه
«اقل ما یُلَعْبُ مَلَكُ اللَّهُ أَلَّا تَشْعَیْثُوا يَیِّعِی مَعَ مَعایِصِهِ» (نهج البلاغه، حکمت 30)، کمترین حق خدا بر
شما این است که از نعمت‌هایی در راه نافرحMana اش یاری نخواهید. از جهت روانی و
تربیتی، وقتی انسان نعمت‌های الهی را به یاد آورد امکان دارد که در برادر بخشیده‌ی آنها
خانش شود و عهده‌کنی نکند.

۱۳۷-۲۵. تقوا و خاتراتسی

سوره بقره، فرآن کریم را کتابی برای هدايت متقین معروف می‌کند (بقره، ۲ و اینکه
آنان در مسیر هدایت هستند: «آَوْلِیَّکَ عَلیۡه عَلَّدۡیَ مِنۡ رُضۡیۡمَ» (بقره، ۵) و در آیات ۲۱، ۲۳ و
۱۶۷ بحث از این است: «اَعۡلَمُۢکُمْ تَغۡفُّرَنَّۢ، اَنۡ جَنَّانَ که آَیَّة ۱۸۳ هدف از روزه را
تقوا معروف می‌کند. خداوند در آیات متعددی از جمله ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ امر بطقا و پرهیز کاری می‌کند. تقوا در اموری جوی وفاد بعهد
جلوه می‌شود و از مهم ترین نشانه‌های آن است. خداوند در آیه ۱۷۸ سوره بقره، یکی
از ویژگی‌های کسانی که ایمان آورده‌اند را وفاد به عهد نامید و آن را در کنار
صفات مهمی处境 برپایی نمای، دادن زکات و صدقه و صبر و شکی‌پای معرفی می‌کند
(بقره، ۱۷۸) و در آن‌ها این گونه افراد را از متقین معروف می‌کند: وَأَوْلِیَّکَ هُمُ الْمَطْفُونَ
(بقره، ۱۷۷).

خداین در آیه‌ای در خطا به مسلمانان تأکید می‌کند که به آنچه ناکون نازل
شده باور داشته باشند و بر ایمان خود پایدار باشند و بررهیز کاری پیشه کنند: «و آموزه بی‌ما آزلت مصداقاً لمعمک... و ای‌بای فائقون» (بقره، ٤١).

در مجموع البته آن‌ها به که انتقاد به معنی دوری از چیزی است که هوای انسان به آن فرا می‌خواند (طبعی، ١٣٧٥۵، ج، ص ٤٤٩). انتقاد به معنی اخبار کردن تقوی و خودداری است و خودداری، شامل هر رقم از حفظ و نگه‌داری خود از افتراق و تفريط و تجاوز از حق است (مصونی، ١٣٧۵، ج، ص ٣٨۶)، و به معنی برگرفتن و تدارک وسیله‌ای برای محافظه‌ای چیزی خطرساز و هولناکی (عناوینی رفسنجانی، ١٣۸۶، ج، ص ١٣۰). همچنین طور که بهترین توشه نیز تقوی است: اوتوزدکا فزل خبر الزاد التقوی» (بقره، ١٧٥).

هم آن است که با بررهیز کاری و خداوتکری، مسلمان واقعی حاضر خیزش نمی‌شود پیمان خوشی و راه‌پیمایی جامعه اسلامی بگذل و از آن‌ها و ارزش‌های خوشی بگذارد. قرار ببرترین توشه است، زیرا پس از مرگ برای انسان باقی ماند و آن را نزد خداوند حضرت می‌باید (فضل الله، ج ٣، ص ١٠٥). بهره‌رال عهدنشین اصولی دارد: گاه پیمان خدا شکسته می‌شود (بقره، ٢٧) و گاه پیمان با مردم (بقره، ١٧٧) هر کدام که باشد یکی از راهکارهای مهم و فراغت پرای مبارزه با آن، خداوتکری است که در همه احوال و عرصها یاور انسان است و از بداخل‌الاقاق بازمی‌دارد. انسانی که مهار درونی داشته باشد و این مهار به زندگی اجتماعی وارد شود، به پیمان‌های خود با انبیای الهی و فادار می‌ماند و رفته‌ریز خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند.

۲-۵ صبر و نمایز

صبر و نمایز دو راهکار جدی هستند که در کنار هر به بقره طرح شده‌اند. صبر، عاملی برای تقویت درونی و پایداری بر پیمان، و نمایز عاملی برای ارتباط با خداوند و تقویت ایمان است تا انسان عهدنشین تکنی کند. لذا این دو سرآغازی برای بسیاری از کماله‌های است و در بقره فیره، خیال متعال، از مؤمنان می‌خواهد تا در این مسیر از آن پایان جویند: «و اشتیاقنا بالصبر والصَلَة» (بقره، ٤٥). همین مفهوم و همراهی آن دو آموزه، در آیه ۱۵۳ سوره بقره نیز آمده است.
بازی از صبر و نماز، دو راه باقی ماندن بر یپمان است. صبر باعث می‌شود تا انسان در عرصه اجتماعی پای حق باشد و در صبر یپمان بندگی است که موجب می‌شود انسان پای احکام بندگی مقاوم باشد. در خصوص صبر، می‌توان به آیه ۱۴۶ سورة بقره اشاره کرد که در پی ایجاد مخابرات ایمان و یادگیری بروز آن است و آن، تشکیل جهاد به عنوان یکی از نیروهای عملی صبر است: ‘کبِ علیکمَ الْفَتْرَةَ وَحَرَّةُ الْكُرْسِی’؛ حکم جهاد بر شما مقصر و بالاخره بر شما ناگوار است‘ (بقره، ۱۴۶). ملاک ایمان، در کتاب نماز و صبر حدوداً بیان نمی‌شود، اما خلاف خواسته‌ها است و اینکه مؤمن به فرمان‌های حرمت و پیامبر اسلام می‌گزرد.

حق محور رفتار انسان پیرو رسالت و امت مؤمن است، نه در دوستی و دشمنی.

صرف، زیرا که حق به انسان سود می‌بخشد و باطل زیان می‌زند. آنان به‌واسطه شهنوی که عمل آنان را زیبا جلوه می‌دهد، مطالب نادرست را حق می‌انگارند.

(مدرسی، ۱۴۱۹، ص ۳۷۵).

در این آیه خدای متعال ییان می‌کند که جهاد برای مسلمانان کرامت داشته که به جهاد بروند، درخواستی که به نفع آنان و به سود جامعه اسلامی بود و کسانی که ایمانی استوارتر و شکیبایی بیشتر بر خوردار بودند، بر عهد خوشیش باقی می‌مانند؛ بنابراین معیار باقی ماندن بر یپمان آن است که مسلمانان کرامت شخصی را موجب ناپایداری بر یپمان‌ها قرار ندهند و صبر پیشه کنند.

۴-۵ انفاق مال

یکی از راهکارهایی که قرار کردن برای برجام بین اسرایل ییان می‌کند، در کنار ایمان به خدا و روز و پایسین و یپمان، خوشش اموال و زکات دادن است. کسی که حاضر باشد مال خود را در راه خدا ببخشد، وفاداری بیشتری در فعالیت‌های خوشبختی داشته و ممکن است یپمان خود را به سادگی نشکند. در آیه ۱۷۷ بقره، چند نیکی مانند ایمان به خدا و روز و پایسین، باور به فرشته‌گان و کتاب آسمانی و پیامران، بخشش مال به خویشاوندان، ییمان، بین‌بینان، در راه ماندگان و گذادگان، یپمان‌ها نیز و
دریافت زکات ذکر می‌شود و سپس وفاداری به پیامان، یکی از مصادری که کی لودهٔ آنها "الموافقین" یه‌دهم‌یا "عهده‌دارا" (بقره، 172). این امر برای آن است که افراد صادق، به‌معنی دقیق کلمه، حرف و عمل و ظاهر و باطن، شایسته است و لذا عهده‌شکنی نمی‌کند و نفاق نمی‌ورزند. این آیه جامع ترین آیه قرآنی است؛ زیرا اصول مهم اعتقادات، عملی و اخلاقی در آن مطرح گردیده است. این آیه بیان‌های صفت

نیک را در سه بخش ایمان، عمل و اخلاق بیان نموده است (قرآنی، 138، ج، ص ۴۶۹). در تفسیر المیزان آمده است که در این آیه، خداوند در بیان حالات و تعیین ابزار، مراتب سگه‌نگار از ناسیون و اخلاق آنان را ترتیب در "من آن‌ها"، سپس "ولیک الئین صدوقا" و بعد با "ولیک هم الامام" بیان می‌کند و ماراد از ایمان، ایمان کاملی است که از اثر تخلف نمی‌کند؛ نه در قلب با عارض شدن شک، اضطراب، اعتراض با خشم در امور ناگوار از اثر خود تخلف می‌کند و نه در اخلاق و عمل. عهد در آن مطلق است و دردسرانده همه و عده‌های انسان و هر آنچه که می‌گوید، می‌شود؛ زیرا الزام به ایمان و لوازم آن وابسته به زمانی خاص نیست (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج، ص ۴۶۸-۴۶۹) به‌هرحال در این آیه دو بار از افتراق و بخشش اموال سخن به مبانی آمده است: یک بار بحث از احسان و بخشندگی است و بار دیگر از زکات به عهده آنان امر واجب و در کنار آنها، وفاده به عهده بیان شده است.

۶. بازسازی جامعه مطلوب اسلامی در سوره بقره

یکی از مراحل عمده و اساسی در نظریه بحران، توجه به جامعه مطلوب و آرمانی است. پس از آنکه طراح جامعه اسلامی در مدیریت برابر آیات الهی، به زمینه‌ها، آسیب‌ها و راهکارهای اخلاقی می‌پردازد، طبعی است که آنان را به سوی جامعه‌ای مطلوب هدایت کند. این هدایت گری می‌تواند الهام بخش مسلمانان و انگیزه‌آفرین برای آنان باشد تا به‌سوی مقصد نهایی خوش حركت کنند. سوره بقره، در آغاز شکل گیری جامعه اسلامی مدینه، همراه با مقدمه‌چینی های
هدف دار است تا گام به گام جامعه را به سوی مطلوب هدایت کند. این راهبرد همراه با تقویت باور به وحدت‌نامه الهی است که پیامدهای سیاسی-اجتماعی نیز دارد. پس از اصل توحید، با تأکید بر ترکی فردی و تعیین اختلال اجتماعی و آسیب‌شناسی آن، تلاش می‌شود تا در جریان سنجش و زنگ‌بزی، جامعه را به‌سوی سعادت سوق دهد؛ لذا در آیه ۱۲۹ این سوره، بر بعثت، تلاوت آیات، تعیین کتاب و حکم و ترکیه تأکید می‌شود: «زنده واقع، فیهم رسول‌النبوی مبین عليهم آیات و علمهم الكتاب والحكمه ویزیکمهم» (برز، ۱۲۹).

فخر رازی می‌نویسد که کمال انسان در دو امر است؛ یکی آتکه حق را صرف برای شناخت بشناسد و دوم آن که خیر را برای عمل به آن بشناسد؛ پس اگر به هر کدام از این دو اختلال وارد شود، از پسی‌ها و کاسته‌ها پاک نمی‌گردد (رای ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۱۵۸). آن چه در دعای ابراهیم خداوندش است، در خواستی است تا در نسل او پاکی و علم به کتاب و حکم ترا قرار دهد و در مرحله تحقق و اتصاف، علوم و معافار از حیث رتبه و درجه، بر پاکی روح، که به اعمال و اختلال بر می‌گردد، مقدم است (طیبه‌یی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۴۶۵). آسان که تا علم حاصل نشود ترکیه به دست نمی آید؛ همچنان که در آیه ۱۵۱ نیز تکرار می‌شود که پیام آوری در میان شما از خودتان فرستادیم که آیات الهی را برای شما می‌خواند، شما را پاک می‌گرداند، حکم‌ت می آموزد و آنچه را که نمی‌دانستید و به شما یاد می‌دهد: «کمی آریسنتا فیکم رسلو مینکم بقلوا علیکم آیاتنا ویزیکم وعلیكم الكتاب والحكمه ویلعلیم ما لم تكوونا تعلیمون» (برز، ۱۵۱).

در جرسان شکل گیری جامعه اسلامی، از قرن آن کریم حاکم بر هیبرنیک در هدف گذاری و تعیین خط‌مشی کلی جامعه در دست‌پخته به اهداف جامعه اسلامی و مهندسی آن صورت می‌گیرد. قرآن کریم به ما می‌آموزد برای مهندسی یک جامعه اسلامی، باید بر دو چیز تکیه کرد: شعور و آگاهی مردم (چون تلاوت آیات و تعیین کتاب و حکم ناظر به این بعد است)، و خودسازی و پاکسازی درونی مردم از رذایی نفوسی. از منطق قرآن کریم درمی‌باید که اولاً ساختن یک جامعه آرمانی با تکیه به زور امکان پذیر نیست، ثانیاً آگاهی به‌تهیه کافی نیست، چون بسیاری از اشتباهات انسان ناشی از جهل نیست، بلکه ناشی از غله‌هوس و رذایی نفوسی بر عقل و شعور است (رک: خاکان، ۱۳۸۸، ص ۱۵، ۱۶).
در همین راستا بخشهی از توصیف جامعه مطلاع را خدایان متعال در قرآن کریم در آیه ۲۹ سورة فتح در وصف پیامبر اکرم و پارانش می‌فرماید:

وْمَنْلُهُمْ فِي الْإِلَيْلِ كَرْعَ أَحْجِرُ شَطَبَةَ فَآۡثَرَهُ فَآۡثَرَهُ فَآۡثَرَهُ عَلَى سُوْفَةَ يُغْبِبُ الزَّرَاعَةَ وَ تُوصِيفَ آنَآهَا در انچای است، همانند ذرایعی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بهدقیق نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی و ایمان دارد (فتح، ۲۹).

خدایان منان در این آیه، اقت اسلامی را همانند زراعتی توصیف می‌کند که در گام اول رشد دانه‌ای دارد، تا آنکه پس از متداوین برگ نازک و ضعیف از گل و بروز می‌دهد: «حاجر شته‌ها». سپس در گام دوم می‌کشد و بهن می‌شود: (آثره)، در مرحله بعد با شاهی درشاخدن، غلظت و قوت می‌باشد: (آتش‌آتی)، تقویت می‌شود و قد می‌کند تا در نهایت ساقه چنان که می‌شود که سر برای خود می‌یابد: (آتش‌آتی) علی‌سویه (بهجت پور؛ ۲۹۹، جد، ص ۵۳۱). در این مرحله، توانمندی جامعه مدیرنی به قدری است که مستقل شده و بی‌نیاز از غیر می‌شود. در همین روال، گویی جامعه اسلامی، در مکه نا سورة حجر (سورة ۳۴ نوزل) جوانه‌زده است و با سوء حال پس از آن نا سورة مطلفین، قد کشیده و ساقه زده است، با وجود مشکلات از مکه به ماقبل هجرت کرده است و در مختله، با شکل گیری دولت پیامبر و شکل دیه به نظایما و احکام، زمینه‌های استقلال و استقرار آن فراهم شده و تقویت و تنومند گردیده است (از سوره بقره نا سورة فتح: ۱۱۴ نوزل) و اوی رشد خود را در سال‌های پایانی عمر ایران تجربه می‌کند که زمینه‌های تداول بیمار و مسیر آن حضرت را فراهم می‌سازد. در جامعه ایمانی، زمینه عملی و ساخت نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه مسلمانان بر سر میان‌ها بمانند و ایستادگی کنند. لذا در ابتدا سیره بقره، تقسیم‌نهای جامعه انگیج می‌شود و سپس برخی پیمانشان همچون ابله و بخش ایرانی معرفی می‌شوند و اینکه جامعه ایمانی می‌باشد باعث مراقب باشید تا گرفتار آسیب‌هایی نشود که بخش ایرانی به آنها دچار شد.

در راستای دستیابی به جامعه مطلاع، خداوند در اول سیره بقره پرای متقین شش ویژگی معرفی می‌کند تا از دیگران متمایز شوند وبه سوی جامعه مطلاع و
سعادت حركة می‌کنند، متقیین این جامعه به غیب باور دارند: "الذین یومعمنون بالغیب"، اقامه نماز می‌کنند: "واضحتون الصلاء"، و از آن‌جا خدا روزی‌شان کرده افکار می‌کنند: "ووما زرفناهم بیفون" (بقره، 3)، به آن‌جیه که بر پیامبر اسلام، "یومعمنون بما آنزل ایلیک" و بیان‌بران پیشین نازل شده: "ووما آنزل من قلب"، و روز رستاخیز ایمان دارند: "وبالآخره هم یوقنون" (بقره، 4)، گویی همه دستورها و ارزش‌های یادشده برای آن است. نامه اسلامی به‌سن‌توی و هدف علی خود حركة کنند و رفتار مردم بر اساس آن تنظیم و نهاده‌ی گردند و به‌دریج از فسادها و آشکاری‌های اخلاقی و اجتماعی جاهالی فاصله گیرد.

این ساختمان گامی که در قرن دوم در جهت جامعه مطلوب شکل می‌گیرد. تا بتواند انسان‌ها در مسیر، رشد و تعلیق ارزش‌ها و باورهای اعتمادی و اخلاقی سوق دهد و جامعاهای ساخته شود که اخلاق دغدغه جدی آن باشد و در هیچ حالت و به هیچ بهانه‌ای، آموخته و دستورهای آن نادیده‌گرفته شود. انسان ارزش‌مردانی زمانی می‌شود که اخلاق برای او جدی باشد. نتیجه‌گیری‌های مهم که گونه‌که ذکر شد، رسول خدا، بر اساس سورة بقره، تلایش کرده جامعه اسلامی مدینه را باید گذراند کند، مردم را با برخی از مهم‌ترین احکام آشنا کرد و در اساسیشناسی رفتار مندنیان گذشته‌اش جمله ابیض و اهل کتاب، برای پایداری بر کلیت و هویت واحد دینی و اسلامی، مردم را راهنمایی کرد و درباره هر گونه نقض پیمان و تفکیک بین احکام و برخوردهای گروهی آنها نیز هشدار داد.

واقعیت آن است که هر اجتماعی، چه در حالت شکلی گیری و استقرار، و چه در حالت تکمیل و تدبیر، برای استمرار حركة با جالش‌هایی اخلاقی مواجه می‌شود که مانع روند پیشرفت جامعه و تداوم حركة تکاملی آن می‌شود. خدا منع معالج در سورة بقره، در آغازی سالهای حضور دولت اسلامی در مدینه نازل شده، آمیزه‌های را که ممکن است جامعه گرفتار آن شود به جامعه معرفی می‌کند و پیامبر اسلام، با آگاهی بخشی، مسلمانان را از آنان دور می‌کند.

در قرن‌های مورد شکلی گیری و بازسازی اخلاقی اجتماعی در مدینه، آن‌چیه که پیامبر گرامی
اسلام انجام داده، تلاش برای گذر از جامعه جامعه جامعه اسلامی بود. جلوه و مظهر این امور در آیات قرآن کریم بود که خداوند آسیب‌های اخلاقی جامعه صدر اسلام را بیان می‌کند و در کنار آن راه‌حل‌هایی ذکر می‌شود تا از فساد نجات بپیما کند. هر جامعه‌ای برای نیل به سعادت و کمال با مجموعه‌ای از آسیب‌ها مواجه می‌شود که باید با بصیرت و آگاهی آنها را شناسایی کند و برای راه‌حل‌هایی از آنها راه‌کارهایی در نظر گرفت. آسیب‌هایی و آسیب‌شناسی اخلاقی اجتماعی در سوره بقره نشان از زمینه‌های مانند نفاج، کفر و بیماردی دارد و آسیب عمده‌ای مانند عهدشکنی، موجب بروز آسیب‌هایی دیگر مانند فسق، فساد عورتی، خودفراموشی، شرک و بیمارسی، بهانه جویی، سنگدلفی، نفاج، استکبار و سرکشی می‌شود و راه‌کارهایی چون یاد آوری نعمت‌های الهی، شکیبایی و اقامة نماز و اتفاق را طرح کرد است.

نمودار زمینه، آسیب و راه‌کار در سوره بقره
فهرست متابع

* قران كريم.

** نهج البلاغه (مترجم: سيديعلی قبلی فیض الإسلام). تهران: انتشارات فيض الإسلام.

1. ابن منصور (1464). لبنان العرب. بيروت: دار احياء النزول العربي.


8. خاکان، سلیمان (1388). قران کريم و مهندسی اجتماعی. فصلنامه تخصصی بروجرد های میانرستهای قرآنی، صص 1-17.


References

* The Holy Quran.
